

بچه ها چه میگویند؟



پدر و مادر گرامی : دوست داشتیم پاسخ این سؤال را از شما می شنیدیم و از تجربیات و راهنماییهای شما بهره مند میشدیم ولی چون چنین ملاقات و گفتگویی میسر نشد ناچار این سؤال را با کودکان شما در میان گذاردیم ، از آنها خواستیم کیفیت برخورد شما را با کارنامه خود برای ما بنویسند .

شاید فرزند شما نیز در میان کودکانی که به ما پاسخ داده اند باشد . میتوانید پاسخها را بخوانید و حدس بزنید ولی ما نمیدانیم ، چون به بچهها سفارش کرده بودیم که نام خود را روی پاسخنامهها ننویسند .

از کودکان پرسیده بودیم : وقتی کارنامه خود را به منزل میبرید چه میکنید ؟ آن را اول به چه کسی نشان میدهید ؟ چه میگوئید و چه میشنوید ؟

یکی از کودکان چنین نوشته بود : (و

رهنمودهای ساده تربیتی - ۱



البته جملات را کمی تغییر داده ایم ولی سخن ، سخن دل آنان است) .

" وقتی بمنزل میرسم ساکت تر از همیشه کنار اطاق می‌نشینم و آرام در کیفم را باز میکنم و کارنامه ام را بیرون میآورم . اول به خودم نشان میدهم و چند مرتبه به نمره هایم نگاه میکنم . دیکته ، حساب ، فارسی ، انشاء ، علوم ، چپی و چپی و چپی اینهمه درس !! چرا نمره‌های من همیشه اینطور میشود ؟ چرا من اینقدر چموش و بی‌هوش هستم ؟ من که دلم میخواهد نمره‌های خوب بگیرم ، پس چرا نمیتوانم ؟ در این فکر هستم که ناگهان خواهرم با خوتحالی بسویم میدود و شادمان کارنامه را از دستم میگیرد و میگوید : مادر بیا کارنامه داداش را ببین .

مادر به اطاق می‌آید و بلافاصله همه در اطاق جمع میشوند و کارنامه من بیچاره دست بدست می‌گردد . و من در کمال

خجالت ، خودم را به کتاب و کتابچه مشغول میکنم .

یکی میگوید : به به ! چه نمره‌هایی ، خسته نباشی که این همه درس خوانده‌ای مادرم میگوید : حسرت بدلم مانده که تو یک نمره بیست بگیری ، کارنامه فلانی را دیدم همه نمره‌هایش بیست بود . این همه بتو گفتم درس بخوان و تو بازیگوشی کردی و آخر آبروی مرا پیش سر و همسر بردی ! نه ... تو دیگر آدم نمیشوی ، چموش بیهوش !! کلمات خواهر و برادر و مادر مانند باران سنگ بر سرم میخورند و من نمیدانم باید چکار کنم تا نمره بهتری بگیرم . ای گاش کسی مرا راهنمایی میکند .

و تازه باید شب برسد و پدر بیاید و با حالت خستگی و عصبانیت کارنامه مرا ببیند و یک کتک حسابی مرا بزند .
کودک دیگری نوشته بود :

" اگر نمراتم خوب باشد بیدار میمانم تا پدرم بمنزل بیاید ولی اگر خدای نکرده نمره بدی داشته باشم به مادر نشان میدهم و شب را زود میخوابم .

مادرم ابتدا به نمره‌ها نگاه میکند و وقتی بد نمره‌های بدم میرسد مرا سرزنش میکند ولی من از سرزنشهای مادرم خیلی ناراحت نمی‌شوم چون در مقابل برادر و خواهرم

چیزی بمن نمیگوید و حتی کارنامه ام را به آنها نشان نمیدهد وقتی آنها بکار دیگری مشغول هستند آهسته‌آهسته مرا نصیحت میکند و به من سفارش میکند که بیشتر درس بخوانم ولی پدرم بمحض اینکه نمره‌های بد مسرا ببیند عصبانی میشود و من همیشه وقتی کارنامه خود را میگیرم منتظر اوقات تلخی و ناراحتی‌های پدرم هستم . پدرم راست میگوید ، من باید بهتر درس بخوانم ، او به من میگوید : من این همه از صبح تا شب کار میکنم و عرق میریزم برای اینکه تو درس بخوانی "

آنچه در این دو گزارش و بسیاری از گزارشهای کودکانه بچشم میخورد ، ایراد گرفتن از کار و کارنامه کودک است . ملامت کردن و کلمات سرزنش آمیز به او گفتن است شاید پدرها و مادرها فکر میکنند که این شیوه در انگیزش کودک به تلاش بیشتر موش

است .
ولی ملامت کردن و ایراد گرفتن نه تنها دردی را درمان نمکند بلکه موجب سر- شکستگی و دلسردی کودک میگردد و او را به لحاححت و سرکشی میکشاند .

هفتمین امام گرامی ما ، امام موسی کاظم که درود خدا بر او باد - میفرماید :

" الاصرار فی الملامه تشب نیران اللجاج"
یا فشاری و اصرار در سرزنش کردن ، شعله -

های سرکشی را بر میافروزد .

و شاید شما نمودهای اینگونه سرکشی را در کودک خود مشاهده کرده باشید . آیا میدانستید که سرزنشهای پیاپی ، او را به لجاحت کشانده است ؟

آیا جز ملامت و سرزنش چاره دیگری نمیتوان اندیشید ؟ آیا تاکنون از ملامتها و سرزنشهای طولانی و پیاپی ، نتیجه ای گرفته اید ؟ و تازه اگر ملامت و سرزنش کاملاً ضروری بنظر رسد و چاره ای جز سرزنش نباشد - که البته کمتر چنین میشود - بهتر است هرگز در حضور جمع نباشد تا موثر و مفید افتد و حتماً باید کوتاه و گذرا باشد و نیز با نصیحت و مهربانی و دلسوزی همراه باشد . بطوری که کودک بفهمد که چگونه باید در اصلاح کار خویش بکوشد .

آیا به چهره کودکی که در مقابل جمع نصیحت و یا ملامت میشود نگاه کرده اید ؟ و آیا شعله‌های نفرت را در نگاه خشم آلود او دیده اید ؟ اگر کودک را در مقابل چشم دیگران نصیحت کنیم نه تنها راه چاره ای در مقابل او نگشوده ایم بلکه با این چنین پندها او را سرکوب و ویران کرده ایم و جوانه‌های شوق و امید و نشاط را در وجود او سوزانده ایم . در این باره همیشه سخن امیر مومنان را بخاطر داشته باشیم که :

" النصح بین الملاء تقریب - پند گوئی

در میان جمع سرکوبی است " و ما و شما هرگز نمیخواهیم که کودک خود را سرکوب و بی امید کنیم .

از کودک دیگری پرسیدیم : وقتی کارنامه‌ها را به مادر نشان میدهی ، مادر چگونه به آن نگاه میکند ؟ و چه میگوید ؟

او نوشت : " وقتی کارنامه ام را بمادر نشان میدهم او با دقت نگاه میکند . و من از بالای کارنامه فقط ابروهای او را می بینم که گاهی اخم میکنند و گاهی از هم باز میشود وقتی مادر اخم میکند من ناراحت میشوم و می فهمم که به نمره بد من نگاه کرده است ، وقتی مادر همه نمره‌هایم را دید ، کمی فکر میکند و آنگاه سرش را بر- میدارد و به من میگوید : نمره‌های خیلی خوبی داری ، دیکته ۱۸ شده ای ، آفرین ، فارسی ۱۷ شده ای ، آفرین ، هفده و هیجده خیلی باهم فرق ندارند . ایگاش این نمره ۱۱ را هم نگرفته بودی از تو متشکرم ، دخترم ! امیدوارم که در امتحان بعدی هم نمره‌هایت همین طور خوب باشند . "

این مادر دانا و آگاه بجای این که در نگاه نخست در پی ایراد گرفتن و پیدا کردن نمره‌های بد باشد ، ابتدا به نمره‌های خوب

بقیه در صفحه ۳۷

دکتر عور شانو

معرض بیماریها قرار دارند توجه مخصوص باین دسته از افراد در تمام جوامع وحتى در جوامع خیلی قدیم مبذول میگردد .
پایه‌های سلامتی کودکان از موقع تشکیل تخم در اثر ترکیب اسپرما توزوئید و اوول و شروع دوران بارداری شروع میشود .
مراقبتهای پزشکی زنان باردار ، توجه به تغذیه ، استراحت ، استفاده از هوای آزاد ، قدم زدن و لباس پوشیدن و معاینات ماهانه او باخاطر تامین سلامتی او و حنین فوق العاده ضروری و لازم است .
زیرا با هرگونه آسیب و بیماری زن باردار نه تنها سلامت او بشدت در معرض خطر قرار میگیرد بلکه حنین در رحم اوکه خیلی آسیب پذیر است متاثر میگردد .
زایمان که مرحله حساس دیگری است و

بهداشت عبارتست از تامین سلامتی جسمی ، روانی و اجتماعی شخصی .
بحث خودم را با بهداشت خانواده شروع میکنم زیرا خانواده بعنوان واحد هر جامعه شناخته شده و هرگاه خانواده از نظر بهداشتی و فرهنگی در سطح بالا قرار گیرد آن جامعه از نظر بهداشت و فرهنگ در سطح مناسبی قرار دارد و بر عکس هرگاه خانواده دچار فقر بهداشت و فرهنگ باشد آن جامعه فاقد بهداشت و فرهنگ مناسب خواهد بود .

اجزاء تشکیل دهنده خانواده عبارتند از پدر ، مادر ، کودکان در سنین مختلف و سالمندان .
چون کودکان هر خانواده و جامعه بیشتر از سایر اجزاء خانواده و جامعه حساس و در



پیدا کرده اند که چندماه اول عمر شیرخوار باید از شیر مادر استفاده کند و این امر نه فقط از نظر جسمی بلکه از نظر عاطفی فوق العاده مهم است .

شیرخوار از سن سه ماهگی علاوه بر شیر مادر احتیاج به مواد دیگری نیز پیدا میکند که اگر وارد غذای او نشود دچار توقف رشد و کم حونی میشود این مواد عبارتند از مواد آردی مثلا آرد برنج ، آرد گندم و نیز زرده تخم مرغ بعلت داشتن آهن و نیز آب میوه و سبزیجات . از سن ۶-۷ ماهگی سوپ محنوی سبزیجات ، هویج و سیب زمینی و بالاخره از سن ۹ ماهگی شیرخوار میتواند و باید آنچه سر سفره در خانواده موجود است بجشد و بصورت مایع اگر باشد بخورد - دادن آب به شیرخواران لازم است زیرا

سلامت مادر و نوزاد فوق العاده بستگی به چگونگی زایمان دارد . طول مدت زایمان فشار لکن به سرنوزاد ومدت وطول زمانی این فشار و احیانا ضربه‌هایی که از طرف کمک کننده به زائو ممکن است به نوزاد وزائو وارد آید فوق العاده در سر نوشت و سلامتی نوزاد وزائو موثر است .

نوزادی که دنیا میآید در یکماه اول مرحله بسیار حساس زندگی خود را طی میکند مراقبت از این مرحله از زندگی بسیار مهم است .

تغذیه نوزاد : امروزه ثابت شده که هیچ شیر وماده غذایی در ماههای اول عمر نمیتواند جای شیر مادر را بگیرد . امروزه حتی در کشورهای صنعتی و پیشرفته که اغلب زنها کار میکنند باین مساله توجه

شیرخواران نیز مانند بزرگسالان احتیاج به آب دارند . در مناطقی که آب آشامیدنی سالم در دسترس نباشد باید آب را جوشانده و سرد کرد و به نوزاد داد زیرا همانطوریکه بعدا بعرض خواهم رساند نوزادان و کودکان خیلی حساس تر و بیشتر از بزرگسالان در معرض خطر میباشند .

بیماریهای واگیر کودکان و پیشگیری از ابتلاء بآنها از مسائل مهم بهداشت کودکان است . امروزه دیگر بیماری سرخک دیفتری ، کزاز ، سیاه سرفه ، فلج اطفال قابل پیشگیری میباشند . هیچ کودکی نباید باین بیماریها دچار شود اگر دچار شد مسلما والدین او مقصر هستند .

یکی از بیماریهای مهم کودکان و شیرخواران بخصوص در مناطق روستائی اسهال و استفراغ است که مناسبانه مهمترین علل مرگ و میر کودکان و شیرخواران را تشکیل میدهد . علل اسهال و استفراغ عوامل میکروبی متعدد میباشند که از راه آب ، شیر ، غذا وارد بدن میشوند ، عدم آشنائی پدران و مادران باین مساله سبب فراوانی وزیادی مرگ و میر کودکان ونوزادان در اثر اسهال و استفراغ میشود زیرا اگر مادری که در یک روستا زندگی میکند که فاقد آب آشامیدنی سالم است میتواند بآسانی آب را جوشانده و سپس به شیرخوار

خود بدهد و یا اینکه هرگاه شیرخوار به اسهال دچار شد میتواند مایعات فراوان بصورت آب جوشیده سرد همراه با کمی قند و احيانا مختصری نمک باو بدهد نه اینکه او را از راه دلسوزی حتی از دادن یک قاشق آب هم محروم بکند و سبب مرگ او بعلت ندانم کاری بشود .

اسهال و استفراغ و مرگ و میر ناشی از آن در شیرخواران و کودکان بقدری زیاد و مهم است که لازم میدانم آماری ارائه دهم : در کشورهای منطقه مدیترانه شرقی با ۲۷۲ میلیون جمعیت ، هر سال در حدود ۱۱ میلیون نوزاد بدنیا میآیند و از این تعداد ۷۵۰ هزار نفر از آنها قبل از اینکه بسن یکسالگی برسند فقط در اثر اسهال و استفراغ تلف میشوند و در همین حدود نیز در اثر سوء تغذیه ناشی از اسهال تلف میشوند بعبارت دیگر از ۱۱ میلیون نوزاد ۱/۵ میلیون نفر از آنها قبل از سن یکسالگی فقط بعلت اسهال و استفراغ و عوارض ناشی از آن تلف میشوند . بی جهت نیست که هرگاه کسی بخواهد وضع اقتصادی ، بهداشتی و فرهنگی و اجتماعی کشوری را بداند میبرسد مرگ و میر اطفال کشور شما چقدر است ؟ با کمال تاسف باید عرض کنم که مرگ و میر کودکان ما فوق العاده زیاد و همدیاف با کشورهای فقیر جنوب شرقی

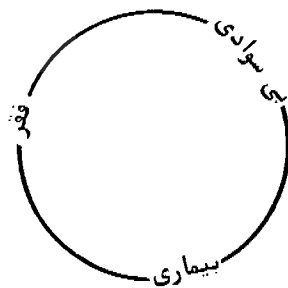
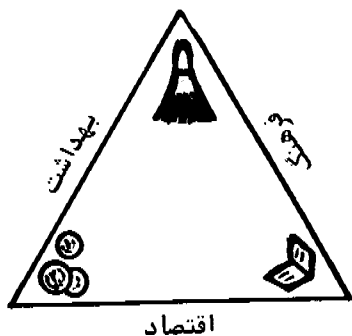
بیماری را که در سال اول عمر تزریق کرده اند دیگر برای همیشه کافی است و نمیدانند که در سالها بعد نیز برابر برنامه بعضی از واکسن ها باید تجدید شوند در غیراینصورت بیماری بروز خواهد کرد چنین است در مورد دیفتری که مناسفانه در مرکز کشور هنوز مواردی از آن دیده میشود

چه باید کرد ؟ بهداشت ، فرهنگ و اقتصاد سه ضلع یک مثلث هستند نمیتوان ضلع یک مثلث را دراز کرد بدون اینکه دو ضلع دیگر را تغییر داد یعنی نمیتوان سطح بهداشت یک جامعه را بالا برد بدون اینکه فرهنگ و اقتصاد آن جامعه بالا برود . از طرف دیگر بیماری ، بی سواد و فقر یک حلقه معمولی را تشکیل میدهند باین ترتیب که بیماری سبب بی سواد و بی -

آسیا و بعضی از کشورهای آفریقائی است . واضح تر بگویم مرگ و میر کودکان ما در مناطق روستائی ۱۳۰ در هزار برآورد شده و این رقم همانطوریکه گفتیم نشانه عقب - ماندگی فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی است و درست در ردیف کشورهای فقیر جهان سوم .

- بیماریهای واگیر قابل پیشگیری را که قبلا نام بردم میتوان ریشه کن کرد ولی مناسفانه هنوز سرخک ، دیفتری ، فلج اطفال دیده میشوند در حالیکه واکسن این بیماریها اثر پیشگیری صد درصد دارند . بنابراین عدم آگاهی ، عدم استقبال بعلت عدم آگاهی در بسیاری از مناطق وجود دارد . وحتى باید باطلاع شما برسانم که خیلی از خانوادهها حتی افراد تحصیل کرده خیال میکنند واکسن فلان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





امکان مالی داشته باشد - ان ماده غذایی را تامین کند و نیز دانش آنرا داشته باشد که چه ماده ای حیاتی و برای سلامت لازم است که تامین کند .

پس برای تامین سلامتی یا تامین بهداشت جامعه باید فرهنگ و اقتصاد جامعه را نیز بالا برد و این امر میسر نمیشود مگر با یک جهاد همه جانبه .

در کشوری که نسبت بی سوادان هنوز ۷۰٪ است آیا بدون جهاد بر ضد بی سواد می‌توان از مادر روستائی بی -

سواد بی سبب فقر و خود فقر سبب بیماری و بی سواد می‌شود . بنابراین ملاحظه می‌فرمائید که برای بالا بردن سطح بهداشت مردم همه عوامل و سازمانها باید بسیج شده و با فعالیت هماهنگ و بمدت طولانی و با کار شدید و مداوم سطح فرهنگی مردم و وضع اقتصادی کشور را اصلاح کرد و همزمان با آن سطح بهداشت مردم بالا خواهد رفت . برای مثال باید عرض کنم که تغذیه صحیح و کامل که یکی از عوامل تامین کننده سلامتی جسمی است در صورتی امکان پذیر است که اولاً خانواده

سواد و محروم از ابتدائی ترین امکانات اولیه بهداشتی انتظار داشت که نوزادش دچار اسهال ، تیفوئید ، کچلی و تراخم نشود ؟

آیا میتوان از او انتظار داشت که بچه اش دچار دیفتری نشود ؟

آیا میتوان از او انتظار داشت که هر وقت بچه اش اسهال گرفت حداقل آب جوشیده سرد فراوان باو بدهد ؟ نه زیرا نسل اندر نسل یاد گرفته که هرگاه مایعات به بچه بدهد اسهالش ممکن است شدید تر شود بنابراین او را از مایعات محروم کرده و ندانسته سبب مرگ جگر گوشه اش میشود .

آیا زن بی سواد محروم روستائی کی میداند از دوران بارداری چه باید بخورد و چه نباید بکند تا جنین او سالم بدنیا آید زن روستائی که ۵۲٪ زنان ایران را تشکیل میدهند در موقع زایمان چه باید بکند ؟ آیا او نگران موقع زایمان خود نیست ؟

فکر میکنید چند سال دیگر میتوانیم حداقل امکانات را به روستاها برسانیم ؟ بنظر من باین زودبها (حداقل با سیستم کنونی) امکان رساندن حداقل امکانات و حداقل مراقبت های بهداشتی به طبقات محروم روستاها میسر نمیشد مگر با تغییر سیستم و استفاده از نیروی انسانی

تربیت شده که از روستا برخیزد و آموزش در روستا به بیند و به روستائی خدمت کند دریک شبکه بسته وبهم پیوسته کشور ما با ۴۷٪ جمعیت زیر سن ۱۵ سال از جمله کشورهای نادری است که جمعیت بسیار جوان دارد . این جمعیت زیر ۱۵ سال خواه ناخواه در ۲۰ سال آینده ازدواج کرده و دارای فرزندانی خواهند شد . اگر رشد وازدیاد جمعیت کشور با آهنگ فعلی ادامه یابد بعد از ۲۰ سال جمعیت کشور دوبرابر خواهد شد ، بنابراین جمعیت کشور در سال ۲۰۰۰ میلادی به رقمی حدود ۶۵ میلیون خواهد رسید که یک سوم آن هنوز بدنیا نیامده است .

چون برابر اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مراقبت از زنان باردار و کودکان از وظائف دولت میباشد بنابراین باید دستگاههای اجرائی از هم - اکنون خود را برای دادن حداقل سرویس به زنان باردار و شیرخواران و کودکان در اقصی نقاط کشور آماده نمایند . ضمناً این حق هم به والدین ، بخصوص زوجهای جوان باید داده شود که تعداد فرزندان و فاصله بین تولد آنها را خود تنظیم نمایند و این امر مهم با آموزش و سپس در اختیار قرار دادن وسائل پیشگیری از حاملگی های ناخواسته امکان پذیر میباشد . ○



کارنامه‌ها آینه تمام نمای شکست

یامردود شده اند و یا تجدیدی . چهره شادان همکلاسی‌ها ، رنجشان می‌دهد . "پشیمانی" را میتوان در صورتشان خواند برخود نهیب می‌زنند که ای دل غافل چرا ما درس نخواندیم تا همانند آنها اینک با خوشحالی بسیار بخانه رویم . غمی بزرگ برقلب کوچکشان سنگینی میکند . غم اینکه پدر و مادر چگونه آنها را پذیرا میشوند و در مقابل این شکست چگونه با آنان روبرو خواهند شد .

راستی ، شما پدر عزیز و شما مادر گرامی ؛ اگر فرزند شما در چنین موقعیتی قرار گرفت با او چگونه رفتار خواهید کرد ؟ چگونه به

با پایان گرفتن بهار و آغاز تابستان ، دانش‌آموزان به نتایج یک سال تحصیلی خود رسیده و میرسند و در روزی از روزهای اواخر خرداد یا اوایل تیرماه ، کارنامه بدست راهی منزل میشوند . چهره‌ها متفاوت است . برخی شادمانند و باصطلاح از شادی در پوست خود نمی‌کنجند . روشن است که اینان در طول سال تحصیلی ، بدرستی درس خوانده‌اند بگونه‌ای که از کار خود نتیجه مثبت گرفته اند و کارنامه آنان جواز ورودشان بکلاس بالاتر است .

برخی دیگر با باری از اندوه بردل ، بسوی خانه ره می‌سپرنند . این دانش‌آموزان

محمد کاظم لطفی

و پیروزی ها نیست

استقبال کودکی که تجدیدی یا مردود شده است ، میروید ؟

آیا او را تسلی می دهید و فوراً برای تابستانش ترتیب برنامه ای را می دهید که درس بخواند و جبران عقب ماندگی او بشود ؟

آیا او را بلافاصله تنبیه می کنید یا قبل از هر چیز او را بخاطر بعضی از نمرات خوبی که احتمالاً گرفته است ، تشویق می کنید ؟

لطفاً کمی بیندیشید . او کودک دلبنده شماست ، عکس العمل شما در برابر این رویداد ، درآینده او تاثیر بسزائی دارد .



آنکه را که قبول شده است و آنکه را که تجدیدی و یا رد شده است بگرمی پذیرا شوید . قبول شده را ارج نهید و تشویق کنید و کودکی که تجدیدی آورده و یا مردود شده است را نیز از محبت پدری یا مادری بی نصیب نکنید .

قبول داریم هنگامی که کودک با گلوی پر از بغض و چشمان انباشته از اشک و دستهای لرزان کارنامه خود را که گویای تجدیدی شدن و یا مردودی او در امتحان است به خانه میآورد ، مشکل ترین لحظه‌های زندگی پدر و مادر آغاز میشود . اما باید بپذیرید که این لحظه ، از مهمترین زمان زندگی شما نیز محسوب میشود زیرا رفتار و واکنش پدر و مادر میتواند او را سرخورده ، مایوس و دلزده کند و یا برعکس کودک را به آینده امیدوار و دلگرم سازد تا او با اتکای به نفس بتواند به جبران گذشته بپردازد و از این شکست و ناکامی ، درس بزرگی بیاموزد . درس مبارزه و پیکار در زندگی . فرزند شکست خورده خود را سرزنش و تنبیه نکنید ، ابتدا سعی کنید که علت این ناکامی و شکست را با بردباری پیدا کنید و در رفع آن بکوشید . با کودک به صحبت

بنشینید و به او تفهیم کنید که زندگی برای هر جاننداری صحنه مبارزه است و این مبارزه فقط مربوط به "آدم" نمیشود . البته آدم هم یک جاندار است و از این مبارزه بدور نیست . بطور مثال صحنه ای از مسابقه دو را برایش مجسم کنید که اگر او دوتنده ای باشد که پایش بلغزد و به زمین بخورد ، کدام راه را باید پیش گیرد . دیگر به مسابقه ادامه ندهد و شاهد پیشرفت دیگران باشد یا برخیزد و با کمی پشتکار بیشتر و کمی سرعت زیادتر خود را به دیگران برساند و این عقب ماندگی جزئی را جبران کند !

به او بگوئید که هر شکستی میتواند آغازی برای پیروزی باشد . همانطور که ورزشکاران در مسابقات ورزشی همیشه پیروز و موفق نیستند و از شکست خود پند گرفته بر کوشش خویش افزوده و در مسابقات بعدی پیروزیهای چشمگیری بدست میآورند ؛ در صحنه دانش اندوزی نیز ، هر کودک باید چنین باشد .

برای فرزند تجدیدی شده خود در تابستان برنامه ای تدوین کنید که او ضمن

درس خواندن بتواند به بازیها و سرگرمیهای دلخواهش نیز بپردازد و این هر دو را به خوبی با هم انجام بدهد بگونه‌ای که در شهریور ماه با میل و رغبت و آگاهی بیشتر در امتحان شرکت کند و قبول شود .

گفتیم که نحوه رفتار و عکس العمل پدر و مادر در آینده طفل شکست خورده بسیار موثر است . در اینجا به نظر پروفیسور " شتارک " استاد روانشناس آلمانی که تحقیقاتی در اطراف بچه‌های رفوزه شده انجام داده ، استناد میکنیم . او مینویسد : " شاگردان مردود اگر تحت مراقبت و دقت خاص و راهنمایی و ارشاد قرار نگیرند ، یکی از دو راه انحرافی کشیده میشوند . دسته ای از خود به کلی مایوس میشوند ، و به همین جهت در مقابل مشکلات و شادای زندگی ، زود تسلیم میگرددند و از نظر روحیه موجوداتی کاملاً ضعیف بار میآیند و دسته دیگر چون سرخورده و ناراحت هستند ، شروع به ضرر رسانیدن بدیگران و خرابکاری میکنند . آنها در آینده اشخاصی شرور و مزاحم و سربار اجتماع بار میآیند .

پدر و مادر عزیز : فرزند شما سرمایه جاودانی شماست . نگذارید این سرمایه متزلزل شود . اگر کودک شما طعم تلخ شکست را چشیده است ، شما زندگی را بر او تلخ تر نکنید . با روشی منطقی و عاقلانه به کمک او بشتابید و او را در مبارزه صحیح با مشکلات زندگی ، رهنمون شوید .

از سوی دیگر بدین موضوع بیندیشید و دریابید که شکست فرزند شما در اثر نداشتن استعداد کافی در فراگیری دروس بوده است و یا نداشتن استعداد و یا برخورداری از درصد هوشی قابل توجه ، نتوانسته است به روی پیروزی آغوش بگشاید ؟ و در این رهگذر چنانچه به نتیجه مثبت و مقرون به واقعیتی رسیدید ، بنگرید میزان عدم توجه شما به فرزندتان تا چه حد در شکست او موثر بوده است ؟ بنابراین با علم باین موضوع باید گفت که او چندان هم قابل شامت نیست پس سعی کنید از هم اکنون خود را در امور تحصیلی وی شریک بدانید و او را در این راه پرفراز و نشیبی که در پیش دارد ، تنها نگذارید .



روش تربیت اسلامی

نوجوان . . .

بقیه از صفحه ۱۳

میگردد با آنجا که کارنیک و بیندار نیک و گفتار نیک خوی و عادت و سرشت وی میگردد و بحکم "العاده فطره ثانویه" چنین انسانی کمتر اتفاق افتاده است که در فراز و نشیب زندگی و رویدادهای سهمگین از جاده مستقیم منحرف گردد و از روال طبیعی زندگی خارج شود، چنین تربیتی مطلوب مربیان بزرگ اسلام است که ناظر به ساختن درون آدمی است نه فقط مظاهر چشمگیر بی اساس و تو خالی.

بحقیقت آدمی باش وگرنه مرغ باشد

که بمن سخن بگوئید بزبان آدمیت

از مهمترین مشکلاتی که یک نوجوان در مراحل نخستین زندگی نوجوانی با آن روبرو و مواجه میگردد مساله وفق دادن خود با سایر افراد خانواده و ایجاد رابطه مناسب با آنها است بویژه رابطه با پدر و مادر که در درجه اول اهمیت قرار دارد زیرا همانگونه که در مقالات گذشته یادآور شدیم نوجوان میکوشد که رفته رفته جای خود را در صف بزرگسالان منزل باز کند که این کار خود مستلزم یک سلسله رفتارها و واکنشهای میانه و تند و گاه غیر عادی در محیط خانه میگردد و بدین ترتیب بمنظور

ایجاد روح اعتدال در رفتار و کردار نوجوان ضرورت آگاهی از مسائل روانی و روشهای روانشناسی نوجوان کاملاً محسوس میگردد و بطوریکه روانشناسان و کارشناسان امور تربیتی اظهار میدارند محیط مناسب و سالم خانه در ساختن شخصیت نوجوان نقش پراهمیتی دارد که او را در آشنائی با مسائل زندگی و تحمل و تقبل مسئولیت و تصمیم گیری و خلاصه استقلال ذاتی و خودکفائی کمک و یاری مینماید و لذا خانواده نمونه در این مرحله خطیر از عمر نوجوان آن خانواده ای است که به شخصیت نوجوان خود احترام بگذارد و به تمایلات و خواستههای مشروع وی گردن نهد و این روش بهترین وسیله برای تربیت نوجوان در جهت رشد شخصیت اجتماعی وی بشمار میآید و زمینه را برای تحقق بخشیدن به خواستههای نوجوان و شکوفائی ساختن استعدادهای نهفته وی آماده و فراهم مینماید.

(۱) برای بالا بردن سطح آگاهی میتوان به کتاب "اسلام و خانواده" نوشته ایمن نویسنده و از انتشارات انجمن ملی اولیاء و مربیان مراجعه نمود.

(۲) سوره الاسراء آیه ۲۳

(۳) این حدیث متفق علیه عامه و خاصه است و از طرق مختلف روایت شده است.

با کارنامه کودکان

بقیه از صفحه ۲۵

کشیده تقدیر کنیم کودک کمبود خود را تا حد توانائی جبران خواهد کرد ، بطور کلی برخوردهای تربیتی تا آنجا که طلب و شور و امید را در دل کودک زنده میکنند مفید و ارزشمند است و هیچ انگیزه ای مانند تشکر و تقدیر ، جوانه های امید را در دل کودک نمی رویاند .

و اکنون شما میتوانید با تجربیات و آگاهیهای خود و رهنمودهای کوتاهی که در این نوشته بیان شد بهترین پاسخ را برای این سؤال بیابید : با کارنامه کودک خود چگونه برخورد میکنید ؟ و اگر خواستید نمونه ای از یک برخورد تربیتی خود را - در این زمینه و یا زمینه های دیگر برای انجمن بنویسید تا آنرا با نقد و تحلیل برای دیگر دران و مادران باز گوئیم .

نگاه میکند و به خاطر همین نمره های خوب فرزندش را تشویق میکند و ناراحتی خود را فقط با گره ابرو و یک اظهار تاسف کوتاه و گذرا بیان میکند . تحسین و آفرین گفتن جوانه های شوق و امید را در دل کودک زنده میکند و رشد میدهد . کودکان و بزرگسالان به کلمات شوق انگیز و تقدیر آمیز بسیار نیاز دارند همانگونه که به آب و غذا سخت نیازمندند . همه دوست دارند تلاشهای آنان ارزشیابی و قدردانی شود . هنگامی که کودک شما کاری انجام میدهد ، کلمه - شوق انگیزی به او بگوئید و نتیجه را فوراً مشاهده کنید ، مو ببینید که با علاقه و شوق بیشتری کار میکند و با دقت و حدیث بهتری بکارش ادامه میدهد . شادمان میشود و میکوشد که اشکالات کار خود را هر چه زودتر برطرف کند .

اگر در برخورد با کارنامه فرزند خویش امید و اشتیاق او را زنده کنیم و از زحمتهائی که

نتیجه آنکه :

- ۱- اصرار در سرزنش شعله های سرکشی را برمی افروزد .
- ۲- پند گوئی در میان جمع سرکوبی و ویرانگری است .
- ۳- هیچ انگیزه ای از تشکر و تقدیر ، شوق انگیز تر نیست .

با سیاست - انجمن ملی اولیاء و مربیان